

آمیولانس

جنتی در آمبولانس



پوریا عالمی

● زنگ تلفن: مورد اورژانسیی بیمار وسط خیابان غش کرده. لرزش دستنویا. حرف‌های نامفهوم می‌زنند. محل: چهارراه یاسر- تلفنن را قطع کردم و گازش را گرفتم و خودم را رساندم به نیلوار، وقتی رسیدم دیدم مردم جمع شده‌اند و دارند فیلم حادثه مذکور را می‌گیرند تا در راستای مشارکت اجتماعی سریع فیلم را آپلود کنند در یوتیوب، از مردم خواستم مشارکت نکنند و راه را باز کنند بیمار به شکم افتاده بود. حال بدی داشت، نمی‌شد تکانش داد. قطع امید کردم. باید تماس می‌گرفتم.هلیکوپتر امداد بیاید. ۹۰درجه چرخاندمش که دیدم ای بابا! «اینکه آقای علی جنتی به» فهمیدم جریان چیست. گفتیم: «پاشو... پاشو... چیزی نیست» جنتی گفت: «چیزی هست، گفتیم: «پاشو جنتی جان، شما بیدی نیستی که با این بادها بلرزی» گفت: «من با این بادها که هیچی، نسیم هم بیاید، لرز می‌زنم» گفتیم: «جنتی... علی جان، پاشو...» گفت: «نچ... یا نمیشم...» گفتیم: «آمیول میارم‌ها». آدمی که از مجلس و از چهار تا تیتز خبرگزاری‌ها بترسد، از آمیول هم می‌ترسد. برای همین تا گفتم آمیول جنتی بلند شد و صاف ایستاد. بردم نشاندمش توی آمبولانس و راه افتادیم. کلاچ را گرفتم زدم یک و راه افتادیم و گفتیم: «راستشو بگو. دیدکه چی گفته؟» «این‌رو ببین»

دستش را کرد در جیب کش و روزنامه را در آورد. یک تیتز تهدیدآمیز زده بودند: «مجلس به رییس‌جمهور درباره دیدار وزیر ارشاد با خاتمی تذکر خواهد داد» و توی لید خبر آمده بود: «عضو کمیسیون فرهنگی مجلس دیدار وزیر ارشاد با خاتمی را محکوم کرد و گفت: قطعا تذکری به رییس‌جمهور درباره برگزاری این جلسه خواهیم داد» جنتی گفت: «حالا چیکار کنم؟ دوباره نبرندم مجلس سوال پیچیم کنند؟ و لب‌هایش را ورچید. گفتیم: «بهرند. اصلا شما توی برنامه‌ات بگذار که هفت‌های یکبار، مثلا شنبه‌ها، بروی مجلس جواب پس بدهی. خودت هم هر هفته پاشو برو، بعد از دو، سه‌هفته که ببینند همش آنجایی، می‌فهمند حساب کار آمده دستت، دست از شما برمی‌دارند، می‌چسبند به وزیر نفت. می‌گویی نه، حالا ببین»

جنتی گفت: «ببینم عیدمبارکی و عیددیدنی کردن با آقای خاتمی مشکلی دارد؟» گفتیم: «ببینم عیدی که نگرفتی؟» جنتی گفت: «نه، راستش خاتمی اینا فقط یک طرف شیرینی بزدی گذاشته بودند روی میز- من فقط یک حاجی‌بادم برداشتم با چاییم خوردم» گفتیم: «شانس آوردی و گرنه فردا اگر یک مقاله درباره ارتباط عیدی خاتمی و سوروس و خودت می‌خواندی، بعید نبود»

جنتی دوباره شروع کرد به لرزیدن. گفتیم: «ای بابا، پسر تو سر‌بازی نرفتی؟ خشم شب؟ جشن پتو؟» گفت: «چه ربطی دارد؟» گفتیم: «همه‌ش برات خاطره می‌شود. خشم شب یعنی تیتز خبرگزاری‌ها و روزنامه‌ها که علیه‌ت می‌زنند. جشن پتو هم یعنی شوخی‌ای که نمایندگان مجلس باهات می‌کنند. بد است؟ اصلا نبینندت خوبه؟ این جشن پتو و خشم شب یعنی حواس بچه‌ها به آدم هست. یعنی آدم را دوست دارند. حالا اخمه‌ها، برو باز کن...»

جنتی اخمه‌هایش را باز کرد، من را نگاه کرد که من زدم روی ترمز و گفتیم: «دیدکه خوب شدی- از آمبولانس پیاده شو»

نگاه کرد و گفت: «اینجا کkkkkkkچججججاست؟»

گفتیم: «پیاده‌شو. اینجا مجلسه. برو یک سر بز، با هم دوست شوید. سر راه یک جعبه شیرینی ناگهاری که

بخور»

جنتی گفت: «نچ... من نمیرم...» گفتیم: «هنوز خوب نشدی پس... بنار من این آمیول را بیارم...» که از ماشین پیاده شد و بلبوبو رفت کمیسیون فرهنگی مجلس و من هم رفتم پی کار خودم.

رویداد

● **شرق**: بیست‌ویکمین نشست «انسان‌شناسی و فرهنگ» با عنوان «بین‌های نوروزی» روز گذشته در مرکز مشارکت‌های مردمی شهرداری تهران برگزار شد و طی آن دکتر علی بلوکباشی درباره آیین‌های نوروزی در ایران و دکتر مهرداد عربستانی درخصوص مراسم نوروز در میان صابیین منداپی سخنرانی کردند و مستند نوروز در بلوچستان اثر محمدعلی هاشم‌زهی فیلمساز جوان بلوچ پخش شد. این درحالی است که قرار بود این نشست، درخصوص درآوایش قادری برگزار شده و با پخش مستندی قدیمی در همین راستا همراه باشد که به دلیل مشکلات فنی در آماده‌سازی نسخه فارسی فیلم، موضوع جلسه تغییر کرده و برگزاری آن به تاریخی دیگر موکول شد. گفتنی است در این مراسم از یک عمر تلاش دکتر بلوکباشی رییس بخش مردم‌شناسی دایره‌المعارف بزرگ اسلامی تجلیل به عمل آمد.

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۱۸ فروردین ۱۳۹۳ • ۷ جمادی‌الثانی ۱۴۳۵ • ۷ آوریل ۲۰۱۴ • سال یازدهم • شماره ۱۹۸۴ • ۱۶ صفحه • اذان ظهر تهران ۱۳:۰۷ • اذان مغرب ۱۹:۴۹ • اذان صبح فردا ۵:۱۵ • طلوع آفتاب ۶:۴۲

روزنفرها

کارتون خواب

علی جهانشاهی
alij.shahi@gmail.com

بازگشت مرزبانان به وطن



مرگ مؤلف

۱۹فروردین، شصت‌وسومین سالگرد فوت خالق «بوف کور»

درخت سوگ «صادق هدایت»

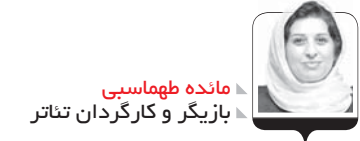
نفس اگر شوخ شد خلافتش کن تیغ چهل است در غلافش کن

مشهدی شهباز باز هم برای خودش و آمیرزا بدالله چای قندپهلوی می‌خواهد. حسن‌خان به‌نام‌زدش می‌گوید بلندشو بریم کرج خوش می‌گذره. شریف گریه می‌کند اما معلوم نیست برای مرگ مجید است یا صادق هدایت؟ کاتیا سملاوری آورده چای می‌ریزد. سیمویه دور درخت دنبال خورشید می‌گردد. هاسمیک در جست‌وجوی سورن است و فقط نوای ویالون وایسلیچ به گوش می‌رسد. مردی گویی در زهنان مادرش زیر درخت خوابیده گاهی شیر می‌خورد. زرزین کلان‌دبال گل ببو می‌گردد. مهرداد طباطبایی‌هدست دنبال درخشنده

می‌دود. روزنهان روی تشک چارزانو نشسته لیخن‌دی مثل لیخند بودا کنار لیش یخ زده. زریانو بهمت‌زده به صلابی خنده گفتار و زوزه شغال گوش می‌کند. دو میمون ویستسیت و زیزی زبر درخت لم داده شوخی می‌کنند. سوسن و تد با مار سفیدی بازی می‌کنند. فریدون تار دست‌صدفی را در دست گرفته مات ملده

است. ستاره‌خلم می‌گوید گوهر سلطان را انداختن توی تنور راحت شدم. بوگام داسی دور درخت می‌چرخد و می‌رقصد. دو مار ناک روی شاخه‌ها حرکت می‌کنند. علویه‌خلم به داروغه می‌گوید با اون اخوتفی که وسط کالعت زدی خیال کردی ازت می‌ترسم. پروین دختر ساسان با خنجرى در دست می‌گوید خودم را می‌کشم اما تسلیم نمی‌شوم. بچه‌ها با توپ مرواری فوتبال بازی می‌کنند! زندبه‌گور تمام سسم‌ها را ریخته توی لیوان سر می‌کشند ولی اتفاقی نمی‌افتد و می‌گوید وقتی این‌همه زهر را قاطی کردی به‌جای کشتن تو همدیگر را می‌خورند.

عباس ساز را برداشته می‌زند و می‌خواند



وقتی به انتخابات کنونی افغانستان می‌نگرم وضعیت مشارکت زنان در آن به نظرم جالب‌توجه است. برای ارزیابی این مشارکت، باید بازگشتی به وضعیت ۵۰، ۶۰سال گذشته این کشور داشته باشیم. افغانستان را از دوران حکومت پادشاهی به خاطر دارم که در آن دوران، از کشورهای نسبتاً مدرن منطقه خاورمیانه بود. زمانی که در برلین، در رشته علوم سیاسی مشغول تحصیل بودم، هم‌کلاسی‌هایی داشتم که افغان بودند و شمار دخترهایشان اتفاقاً بیش از پسر‌ها بود و همیشه وقتی از افغانستان تعریف می‌کردند، از پیشینه روشن سیاسی آن می‌گفتند. دوران تحصیل ما مصادف بود با زمانی که افغانستان زیر سلطه اتحادیه جماهیر شوروی قرار داشت و حکومت پادشاهی منقرض شده بود و زیر سیطره

سلام به فردا

زنان و بهبود وضعیت اجتماعی-سیاسی «افغانستان»

خانه‌ها، به دخترهای اطرافشان، سواد می‌آموختند (البته عددهای از زنان و روشنفکرانی که به واسطه حضور طالبان هنوز مهاجرت نکرده بودند) توانستند بستر اجتماعی پیدا کنند برای اینکه در صف اول احیای هویت اجتماعی‌شان باشند و همان‌طور که حالا شاهدیم حتی در مجلس کنونی افغانستان تعداد کثیری از زنان حضور دارند. اگرچه جامعه قومی-سنتی افغانستان هنوز هم سدهای بسیاری برای رشد زنان قرار داده است اما با این حال، شاهدیم زنان در همین انتخابات کنونی حق‌رای داشتند و پس از این همه محرومیت در این سال‌ها، بالاخره توانستند مشارکت عمده‌ای در این رویداد سیاسی فعلی داشته باشند و فکر می‌کنم حتی به‌تازگی «کرزای» وعده داده که قانون اساسی این کشور هم اصلاحاتی داشته باشد. اینکه چقدر تغییر قوانین به نفع زنان، خواست عمومی مردم این کشور است، قابل بحث است اما همین که پس از رشد و ظهور طالبان در این کشور، دوباره زنان توانست‌اند در عرصه‌های اجتماعی-سیاسی فعال شوند، نشانه بسیار مثبتی در جهت بهبود وضعیت کلی سیاسی این کشور است.

درمبین

دغدغه‌های «رامبد جوان» در گفت‌وگو با «شرق»:

جای شلیک، داد و بیداد می‌کنم

نتیجه چون نمی‌خواهم وارد این جریان بشوم ترجیح می‌دهم دربراره دیگران کلا فکر نکنم که به قضاوت منتهی شود تا بفهمم چه مزای دارد.

اهمیت اخلاقیات برایتان تا کجاست؟

اینکه کمتر دروغ بگویم، به حریم دیگران بیشتر توجه کنم و فضولی نکنم، حدموز را ارتباطم را رعایت کنم و به دیگران هم اجازه ندهم وارد حریم خصوصی‌ام شوند و خیلی هم در این زمینه با صراحت هستم، اگرچه گاهی آدم قطعاً دچار رودربایستی می‌شود. بهتر است آدم‌ها بیشتر در این زمینه‌ها تمرین کنند.

برای جرمه‌شدن چانه‌هم می‌زنید؟

بابت جرمه‌شدن راهنمایی رانندگی هیچ‌وقت چانه نزدم. همیشه بدون اینکه افسر مربوطه را در معذورت قرار دهم یا می‌لغش را کم کنم، مثل یک شش‌روند می‌پذیرم که اگر من کار غلطی کرده‌ام من را جریمه کن. گاهی هم که خود طرف بعد از دیدن من از تصمیمش پشیمان می‌شود من می‌گویم که توجهی به موقعیت من نکن که من بازنگرم و زحمت فرهنگی می‌کشم.

خانواده به کار را رجحیت دارد یا کار به خانواده؟

هر چه ستم بالاتر می‌رود می‌فهمم که خانواده ارجح‌تر است به هر چیز دیگر در جهان.



آزادگان کار چیزی می‌خیرد؟

اغلب اوقات می‌خرم و حرص می‌خورم.

چرا؟

هم عصبانی می‌شوم از میزان بافشاری‌شان و هم ناراحت هستم از شرایط مدیریتی که حاکم است در شهر من که کودکان در سطح جامعه انقدر علنی مشغول به کارهای سیاه هستند.

چه نظر تان چه کاری می‌توان کرد؟

ماجرا ریشه‌ای و زیربنایی است. غصه‌برانگیز است که بچه هشت ساله‌ای را ببینیم که در سرما در حال دستفروشی سر چهارراه است و وقتی به آدم می‌رسد، ول کن هم نیست انگار که آدم قرار داشته که بیاید آنجا و از او چیزی بخرد و ببرد.

● **چه احساسی شما را وادار به سرزدن به مراکز بهزیستی و خیریه می‌کند؟**

برایم اهمیت دارند و رفتن به آنجا یک احساسی در من ایجاد می‌کند که در سال چند باری از آنجا سر در می‌آورم.

● **خارج از هر محدودیتی وقتی کسی حقوق‌تان را زیر پا بگذارد دوست دارید با او چه برخوردی کنید؟**

اگر مسلح بشودم و مثل آمریکا اسلحه و شلیک‌کردن آزاد بود، احتمالاً به آن آدم شلیک می‌کردم! اما از آنجایی که اسلحه‌داشتن آزاد نیست باید سرم را از پنجره بیرون بیآورم یا جلو طرف شروع کنم به داد و بیداد کردن.

قضاوت دیگران چه مزای دارد؟

من یکی از مخالفان سرسخت و جدی قضاوت دیگران هستم و فکر می‌کنم خود موضوع قاضی‌بودن از آن کارهای سخت و عجیب‌وغریب است. جرات می‌خواهد که کسی این کار را بر عهده بگیرد. در

خبر فردا

است و تا بیست‌وهشتم‌فروردین ادامه خواهد داشت. ● سازمان بهزیستی به‌دنبال اجرای طرح پیشگیری از خشونت در میان شهروندان کشور است. این طرح قرار است آموزش‌های مهارت زندگی و مشاوره در کنترل و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، آموزش‌های ویژه مهدهای کودک، آبارتمان‌نشینی، ترافیک، خشونت‌های ماهواره‌ای، رسانه‌های تصویری، فضای مجازی و... را در اختیار شهروندان قرار دهد و فردا در برخی از استان‌های کشور آغاز به کار آن اعلام می‌شود.

از دانشجویان اعلام شد. بر اساس تصویب هیات دولت مقرری دانشجویان بورسیه خارج از کشور ۱۰ درصد افزایش خواهد داشت و این افزایش از فروردین امسال اجرایی می‌شود البته یک مشکل در بین است، اگر وضع از به همین منوال باشد ممکن است این مقرری در نیمه‌دوم سال به دانشجویان پرداخت شود. ● همین روزها جشنواره دانش‌آموزی زیست فناوری ایران در مجتمع فرهنگی- اردویی شهید باهنر افتتاح خواهد شد. هدف این جشنواره گسترش و ترویج زیست فناوری در بین دانش‌آموزان و معلمان کشور

● این‌روزها بسیاری از مطالب درباره یارانه‌ها و برنامه‌های دولت در این زمینه است. به هر حال با تمام مسايل و نکته‌هایی که وجود دارد از فردا نیت‌بام برای دریافت یارانه‌ها آغاز می‌شود.

● فعلا مهم‌ترین خبر برای همه این است که قیمت بنزین چقدر خواهد شد. پس فعلا نگران نباشید؛ فردا یعنی سه‌شنبه همین هفته قیمت جدید اعلام می‌شود و فعلا پیش‌بینی‌ها همان ۵۰۰۰ تومان است.

● یکی دیگر از امیدواری‌های دانشجویان بورسیه به حقیقت پیوست و مقررات افزایش مقرری این دسته